

The Militarization of the Persian Gulf and its Impact on Iran's Foreign Policy in 2019

Zahra Sharifzadeh^۱

Amir Hoshang Mirkoushesh^۲

(Received: 01/01/2023 - Accepted: 19/03/2023)

Abstract

The main concern of the regional countries in the Persian Gulf is to reach a significant level of security in this region, and it has forced some of the regional countries to react to ensure their security. Because the privileged position of the Persian Gulf is important in the trade and economic activities of countries. The Islamic Republic of Iran, as the most important coastal country whose economic activities are based on this sea, is a clear example of this issue. The method of this research is qualitative and descriptive-analytical, and the necessary documents have been collected from books, articles, and internet sources. Therefore, the main question of the research, as it is clear from the objective, is what effect has the militarization of the Persian Gulf had on Iran's foreign policy strategy? The hypothesis that the militarization of the Persian Gulf, along with the sensitive and strategic position of Iran in the Middle East region, the existence of civil wars and political instability in neighboring countries, and the existence of political challenges with strategic neighbors, along with the American military presence in the Persian Gulf, lead to more threats to Iran's security. Therefore, it is trying to manage these security problems by using deterrence tools in the region as well as developing its influence through material and spiritual power and military balancing and developing cooperation with China and Russia.

Keywords: Iran's Foreign Policy, Militarization of the Persian Gulf, Deterrence, Security, US Military.

^۱ Ph. D student, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Shahrood, Iran (Z_sh1348@yahoo.com) **Corresponding Author**
Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-1167-7095>

^۲ Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Shahrood, Iran (Amkooshesh@gmail.com)
Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0001-8378-184X>

نظامی شدن خلیج فارس و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۱۹

زهرا شریف زاده^۱

امیر هوشنگ میرکوشش^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸)

چکیده

همانگونه که در ادوار متعدد به گونه‌های مختلف مشخص شده عمده‌ترین نگرانی کشورهای منطقه در خلیج فارس رسیدن به سطح قابل توجهی از امنیت در این منطقه می‌باشد. تنش‌های امروزه که منجر به نظامی شدن خلیج فارس شد برخی از کشورهای منطقه را منجر به نشان دادن واکنش به منظور تامین امنیت خود کرده است. چرا که عمده تجارت و اقدامات اقتصادی این کشورها در گرو استفاده کردن از موقعیت ممتاز خلیج فارس بوده است. در این بین جمهوری اسلامی ایران بعنوان مهم‌ترین کشور ساحلی که عمده فعالیت‌های اقتصادی خود را از این دریا انجام می‌دهد، نمونه مشخص این مساله است. این پژوهش با هدف بررسی تاثیرات نظامی شدن خلیج فارس بر سیاست خارجی ایران به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات لازم را از مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری کرده است. پرسش اصلی این است که نظامی شدن

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران (Z_sh1348@yahoo.com)

نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-1167-7095>

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران (Am.Mirkooshesh@iau.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0001-8378-184X>

خلیج فارس چه تاثیری بر راهبرد سیاست خارجی ایران داشته است؟ یافته‌های تحقیق بیان می‌دارد که نظامی شدن خلیج فارس در کنار موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود جنگ‌های داخلی و عدم ثبات سیاسی در کشورهای همسایه و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان استراتژیک در کنار حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس باعث بوجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت ایران شده است. به همین منظور جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ابزار بازدارندگی در منطقه و همچنین توسعه نفوذ خود بوسیله قدرت مادی و موازنه‌سازی نظامی و توسعه همکاری با چین و روسیه در صدد مدیریت این معضلات امنیتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، نظامی شدن خلیج فارس، بازدارندگی، امنیت، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس.

خلیج فارس بعنوان یک راه آبی و دریایی از همان سپیده دم تاریخ ارزش فراوانی داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌های بزرگ خاور باستان، پیشینه‌ای چندین هزار ساله دارد. «خلیج فارس» با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت خود که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی‌تردید بزرگترین و مهمترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت. عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). اهمیت این منطقه امروزه باعث شده است که هر کدام از کشورهای ذی‌نفع چه منطقه‌ای و چه فرامنطقه‌ای از تمام ابزارهای خود به منظور رسیدن به منافع ملی خود استفاده کند. امروزه یکی از مهم‌ترین کشورهای که در صدد حفظ امنیت در منطقه خلیج فارس می‌باشد جمهوری اسلامی ایران است. تنش‌های موجود این کشور با کشورهای غربی باعث بروز برخی از منازعات شده که امروزه شاهد آن هستیم. چرا که آمریکا در این منطقه هزینه‌های زیادی به منظور تامین منافع ملی خود در خاورمیانه کرده است که تحرکات ایران باعث شده است کاخ سفید موقعیت خود را در خطر ببیند و در صدد نظامی شدن خلیج فارس بوسیله متحدان منطقه‌ای خود باشد (Cook, 2019: 1-6).

در سال ۲۰۱۹ شعله‌ور شدن تنش‌ها در خاورمیانه سبب حضور متحدان منطقه‌ای ایران و آمریکا شد، اسرائیل به منظور محدود کردن نفوذ منطقه‌ای ایران به متحدان این کشور در سوریه، لبنان و عراق حمله کرده و در صدد برآمد که حاکمیت تهران را در خلیج فارس و کل منطقه به چالش بکشد.

مقامات اسرائیلی استدلال می‌کنند که این حملات به معنای محدود کردن گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران که متحدان منطقه‌ای مذکور و نیروهای غیردولتی آنها را مسلح کرده‌اند انجام گرفته است. جمهوری اسلامی ایران نیز نیروهای نظامی خود را در این منطقه توسعه داده و حاکمیت خود را تثبیت کرد.

این پژوهش با هدف بررسی تاثیرات نظامی شدن خلیج فارس بر سیاست خارجی ایران به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات لازم را از مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری کرده است. پرسش اصلی پژوهش این است که نظامی شدن خلیج فارس چه تاثیری بر راهبرد سیاست خارجی ایران داشته است؟ یافته‌های تحقیق بیان می‌دارد که نظامی شدن خلیج فارس در کنار موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود جنگ‌های داخلی و عدم ثبات سیاسی در کشورهای همسایه و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان استراتژیک در کنار حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس باعث بوجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت ایران شده است. به همین منظور جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ابزار بازدارندگی در منطقه و همچنین توسعه نفوذ خود بوسیله قدرت مادی و معنوی خود در صدد مدیریت این معضلات امنیتی است.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی تهاجمی

موضوع مورد توجه واقع‌گرایان بحث امنیت و بقای حاکمیت و تمامیت ارزی کشور است. بقا مورد نظر واقع‌گرایان انگیزه اصلی دولت‌ها در سیاست بین‌الملل بوده و از آنجایی که بر خلاف ساختار داخلی، ساختار نظام بین‌الملل^۱

^۱The Structure of the International System

آنارشیک است، بدین گونه که هر یک از واحدهای تشکیل دهنده نظام، مسئول امنیت خود هستند و هر دولت آزاد است تا هر طور که مناسب تر می بیند، به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود همت گمارد (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۰).

در ساختار هرج و مرج گونه، خودیاری ضروری ترین قاعده محتمل است (دوئرتی و فالتزگرافت، ۱۳۸۸: ۱۴۴). موازنه قدرت، مؤلفه دیگر مورد نظر واقع گرایان است که بعنوان مدلی از سیستم جهانی، گویای جامعه‌ای است در برگیرنده دولت‌ها که در آن همه بازیگران، هویت و استقلال خویش را در جهت ایجاد آن حفظ می کنند. اگر چه موازنه صرفاً قدرت محور نیست اما ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک هدایت دولت‌ها را در سیستم، به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۴).

نواقعی گرای تهاجمی آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیات تجدیدنظرطلبانه قدرت‌ها بویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌الملل قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشیک در محیط بین‌الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیتی هابزی می باشد که امنیت در آن خیلی کمیاب است. دولت‌های ثروتمند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود هستند (Zakaria, 1998: 3). آنها معتقدند در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌الملل، بیرون دادهای قدرت‌های بزرگ تعیین کننده می باشد. زکریا^۱ و مرشایمر^۲ از مهمترین نظریه پردازان تهاجمی هستند. مرشایمر دلیل اصلی قدرت طلبی دولت‌ها را در سه مورد: ۱- ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، ۲- توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و ۳- عدم اطمینان در

^۱ Farid Zakaria

^۲ John Mearsheimer

مورد نیات و مقاصد دشمنان بیان نموده است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۲). مجموع این سه مفروض، شرایطی را بوجود می‌آورد که کشورها نه تنها دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت را دارند بلکه انگیزه قوی و شدیدی را برای بیشینه‌سازی قدرت فراهم می‌سازد. در این رویکرد، بقا هدف اصلی دولت‌هاست و آنان به دنبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی خود هستند. در واقع‌گرایی تهاجمی، قدرت مهم‌ترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است. آنان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌کنند؛ چرا که هر چه قدرت، مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود (Mearsheimer, 2001). این نوع از واقع‌گرایی بیشتر بر محوریت دولت-های بزرگ تأکید دارد که در آن دولت‌های بزرگ سعی دارند با برهم‌زدن واقعیت‌های موجود در پی تغییر وضع موجود برآیند تا به اهداف خود در منطقه دست یابند.

از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، امنیت و بقای دولت‌ها در گرو تلاش برای جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت است. چرا که انباشت قدرت و میل به هژمونی به موازنه ختم می‌شود. دولتی که دارای قدرت بیشتری است، همیشه تهدیدآمیز بنظر می‌رسد؛ چرا که دولت‌های ضعیف‌تر هیچگاه نمی‌توانند به یقین برسند که دولت قوی‌تر، از قدرت خود برای تجاوز و نقض حاکمیت‌شان استفاده نکند و یا تهدیدی برای بقا و امنیت‌شان نباشد (Waltz, 1979: 58-69). زمانی که نشانه‌هایی از تلاش‌هایی که قدرت بزرگ برای کنترل نظام بین‌الملل مشاهده می‌شود، قدرت‌های دیگر با هم متحد می‌شوند تا از طریق یک عامل تعادل‌بخش، امنیت خود را حفظ کرده و جایگاه خود را در سیستم نظام بین‌الملل حفظ نمایند. لذا می‌توان گفت موازنه قوا عامل و مکانیسم اصلی ثبات در سیستم آنارشی بین‌المللی است (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

در برخی مواقع موازنه قوای مورد توجه واقع‌گرایان باعث ایجاد تنش‌های

چشمگیری در مناطق مختلف شده است. خاورمیانه همانگونه که در مطالب فوق به آن اشاره شد یکی از مهم ترین مناطقی می باشد که همواره موازنه و رقابت بین کشورهای موجود در آن و نیز دخالت قدرت های بزرگ باعث شده است که امنیت آن با مشکلات جدی مواجه شود. خاورمیانه منطقه ای مهم و استراتژیک بوده و مورد توجه قدرت های منطقه ای نظیر ایران و عربستان و جهانی مانند امریکا قرار گرفته است. وجود منابع طبیعی همچون نفت و گاز و همچنین موقعیت ژئوپلتیکی راهبردی باعث شده این منطقه همواره مستعد مناقشه و درگیری و ائتلاف های متعدد برای رسیدن به منافع کشورها باشد. به همین دلیل در طول تاریخ، این منطقه با جنگ ها و ناآرامی های عدیده ای مواجه بوده که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. بنابراین با وقوع بیداری اسلامی در برخی کشورهای منطقه و گسترش دامنه آن نهایتاً بسیاری از کشورهای منطقه نظیر عراق، سوریه، یمن و بحرین که مهمترین کشورهای مذکور در طرح صلح خاورمیانه قرار گرفته اند نیز در مدار این تحول قرار گرفته و با بحرانی شدن تحولات در خاورمیانه و دخالت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای عملاً باعث شد منطقه مذکور به بن بست تبدیل شود که در کوتاه مدت و میان مدت چشم اندازی برای پایان تنش های موجود در بین کشورهای مستقر در این منطقه وجود نداشته باشد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). امروزه نظامی شدن خلیج فارس و تنش های ایران و کشورهای غربی از جمله آمریکا باعث شده است که بحرانی جدید و جدی تری نسبت به قبل ایجاد شود. در ادامه این مقاله به بررسی راهبرد سیاست خارجی ایران در قبال نظامی شدن خلیج فارس با استفاده از نظریه واقع گرایی تهاجمی پرداخته می شود.

نظامی شدن خلیج فارس و موازنه سازی نظامی ایران

با توجه به نظامی شدن خلیج فارس در ۲۰۱۹، جمهوری اسلامی ایران نیز در صدد برآمده که در برابر قدرت های منطقه ای و همچنین نیروهای نظامی آمریکا

در این منطقه موازنه‌سازی کند. چرا که نیروهای آمریکا با استفاده از قدرت نظامی خود و ناوهای جنگی منطقه خلیج فارس یعنی خط قرمز دریایی ایران را نظامی کرده بودند یا با استفاده از پهبادهای جاسوسی خود در این صدد می‌باشد که مراکز مهم و نظامی ایران را شناسایی و امنیت آنها را با مشکل جدی مواجه کند. لذا نیروی نظامی ایران در مقابل این اقدام، واکنش چشمگیری را از خود نشان داد. نمونه این واکنش‌ها ایجاد موازنه در مقابل این اقدام‌های مذکور نظیر واژگون کردن پهباد آمریکایی در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ بود.

با روی کار آمدن ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا، "فشار حداکثری" بر اقتصاد ایران یکی از مهم‌ترین راهبردهای این کشور بعد از خروج از برجام بشمار می‌رود. دولت ترامپ با فشار حداکثری بر اقتصاد ایران در این صدد بود که صادرات نفت ایران را به حداقل ممکن برساند و در مقابل این هدف، تهران نیز تنگه هرمز را با نیروهای نظامی خود مورد کنترل قرار داده و نفت‌کش‌های کشورهای غربی را مورد تعقیب و گریز قرار داد تا حاکمیت خود را با وجود نظامی شدن خلیج فارس بر این منطقه تحمیل کند. زیرا اگر این اقدام را انجام نمی‌داد کشورهای غربی با وجود نیروی نظامی خود که به خلیج فارس اعزام کرده بودند حاکمیت سیاسی تهران را بر خلیج فارس خدشه‌دار می‌کردند (Benjamin & Simon, 2019: 1-4).

این اقدام توسط دولت ترامپ به جدیت تمام دنبال شد. نمونه این جدی بودن ترامپ؛ اعزام ناو جنگی و ۱۵۰۰ نیروی نظامی و تدارک برای ارسال ۱۰۰۰ نیروی دیگر به خلیج فارس بود. این اقدام باعث ناامنی خلیج فارس در طول ده‌های گذشته شد. به همین منظور رهبر ایران، آیت‌الله خامنه‌ای، بیان داشت: «که با این وجود مذاکره به منظور ایجاد امنیت و جلوگیری از جنگ و فشار اقتصادی هیچگونه فایده‌ای ندارد». به همین منظور ارتش و نیروی نظامی تهران در خلیج فارس از طریق همکاری با دولت‌های همخوان با سیاست خارجی خود و بسیج مردمی در خلیج فارس، موازنه قدرت و نیروی نظامی به منظور استفاده

از آن در صورت هرگونه درگیری در این منطقه را ایجاد کرد (Weisbord, 2019: 3-5).

نظامی شدن خلیج فارس و نفوذ ایران در منطقه

در مورد نفوذ ایران در منطقه باید یک سابقه تاریخی از راهبرد این کشور بیان شود. در جنگ بین اسرائیل و حزب الله لبنان بنا بر اظهارات سردار سلیمانی، جمهوری اسلامی ایران به منظور حفظ موقعیت خود در منطقه و ژئوپلیتیک خاورمیانه به نفع حزب الله لبنان و جبهه مقاومت، نهایت تلاش خود را کرد. به همین منظور بود که نفوذ سیاسی و معنوی ایران در خاورمیانه به نحو چشمگیری توسعه پیدا کرد و از این طرق تهران در صدد برآمد که یک بسیج مردمی در کشورهای عضو جبهه مقاومت ایجاد کند. این جبهه‌های مردمی در عراق، سوریه و لبنان به تهران امکان مانور بیشتری در منطقه در صورت هرگونه حمله از طرف آمریکا و دولت‌های منطقه می‌دهد. در بعد دیگر حتی نفوذ ایران در منطقه باعث شده است که ائتلاف عربی و اسرائیلی ایجاد شده توسط آمریکا با مشکل مواجه شود. با نظامی شدن خلیج فارس، ایران طرح پیشنهادی خود را به منظور توسعه نفوذ و همچنین از بین بردن تنش‌های منطقه‌ای به همسایه‌های خود ارسال کرد. در مقابل، کشورهای منطقه‌ای از جمله عربستان بعنوان رهبر ائتلاف عربی علیه ایران، ضمن توجه به کم‌رنگ شدن چتر حمایتی آمریکا از آنها، در صدد برآمدند که همکاری با تهران را به منظور حل کردن معضلات امنیتی منطقه مانند بحران یمن و سوریه و همچنین تنش‌های خلیج فارس را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار دهند (Tooss Sina, 2019: 3-7).

چرا که امروزه گفته‌های آمریکا مبنی بر تروریسم خواندن ایران و حامی تروریست بودن آن، به یک توهم تبدیل شده و کشورهای منطقه به این مهم پی برده‌اند که تهران از تجزیه خاورمیانه آنگونه که واشنگتن می‌خواست جلوگیری

کرده و بعبارت دیگر راهبرد سیاست خارجی ایران یک چالش جدی برای آمریکا بوده است تا نتواند برنامه‌های خود را در منطقه پیاده کند. لذا دولت آمریکا به منظور رسیدن به این مهم در صدد بود که چهره تهران را در منطقه مخدوش و آن را یک خطر برای دولت‌های منطقه معرفی کند. نمونه آن ایجاد یک ائتلاف عربی - غربی در زمان نظامی شدن خلیج فارس بود. در این زمان و در مقابل این اقدام، تهران و مقامات آن تلاش کردند که عکس سیاست خارجی آمریکا و راهبرد آن را در منطقه برای دولت‌های این منطقه ثابت کنند. لذا به کشورهای منطقه از جمله امارات به منظور ایجاد یک امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس پیشنهاد همکاری داد و امارات که تا آن زمان تحت تاثیر سیاست خارجی آمریکا بود از این پیشنهاد ایران حمایت و استقبال نمود. این به معنای استفاده از نفوذ و قدرت منطقه ایران در مقابل نظامی شدن خلیج فارس است (Nasr, 2018: 2-3). البته در این راه بی‌اعتمادی نسبت به اقدامات آمریکا بعد از سال ۲۰۰۳ که در نتیجه سیاست خارجی متناقض این کشور در منطقه ایجاد شده بی‌تاثیر نمی‌تواند باشد. چرا که دولت آمریکا در منطقه خلیج فارس بعد از سال ۲۰۰۳ و روی کار آمدن باراک اوباما صرفاً بعنوان تأمین‌کننده امنیت خارجی عمل کرد. چرا که نیروهای نظامی خود را به نحو چشمگیری در منطقه کاهش داد و به همکاری‌های خود با دولت‌های منطقه پایبند نماند. در مهم‌ترین این نوعف عدم حمایت از معارضین در سوریه توسط دولت اوباما و همچنین ایجاد توافق با ایران و در بازگرداندن پول‌های بلوکه شدن این کشور به تهران بود. این موضوع چهره آمریکا را برای کشورهای منطقه مخدوش کرد. لذا ترامپ نیز با ادبیات دیگر، همین سیاست خارجی را دنبال و در قبال تأمین امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس هزینه طلب نمود (Quero & Dessì, 2019: 1-5).

آنچه که آمریکا را آزار می‌دهد تأثیر ایران بر کشورهای عربی در شرق یا نفوذ ایران در کشورهای عربی بویژه در سوریه، عراق، یمن و لبنان نیست بلکه

تأثیرگذاری و پیامدهای این نفوذ بر اسرائیل است. یکی از پیامدهای آن جلوگیری از سلطه اسرائیل بر منطقه است. قدرت نظامی و فناوری ایران، استقلالش در تصمیم‌گیری و اعمال حاکمیتش از جمله عواملی هستند که مانع سلطه اسرائیل و همچنین مانع سلطه کشورهای عربی از جمله کشورهای سازشکار با اسرائیل است. البته در صورتی که این کشورها قدرتمند شوند و در تصمیم‌گیری مستقل عمل نمایند. آمریکا آشکارا و بطور رسمی با ایران در جنگ است و آن را محاصره کرده است و از کشورهای عربی باج می‌گیرد و راهبردی را در پیش گرفته است که نمی‌گذارد این کشورها دارای توانمندی نظامی و اقتصادی شوند و آنها را به میدانی برای دفاع از امنیت ملی ترکیه، اسرائیل و آمریکا تبدیل کرده و این چیزی است که در سوریه، عراق، یمن و لبنان و حتی در اردن و مصر لمس شده است. لذا زمانی که در صدد بود صادرات نفت ایران را به صفر برساند، خلیج فارس نظامی شد و بیشتر هزینه‌ها باید صرف کشورهای عربی می‌شد که هیچ ربطی به آنها نداشت. لذا ایجاد همکاری با کشورهای منطقه توسط تهران مانع از بهره‌گیری مجدد آمریکا از کشورهای منطقه علیه ایران خواهد شد و یک پیروزی در خلیج فارس خواهد بود.

نظامی شدن خلیج فارس و دکترین دفاع نامتقارن ایران

در دفاع نامتقارن از آنجایی که قدرت نظامی ایران در برابر آمریکا بصورت مستقیم برابر نیست به همین منظور مقامات جمهوری اسلامی ایران در برابر نظامی شدن خلیج فارس در صدد بودند که در صورت هرگونه حمله نظامی به ایران به پایگاه‌های نیروی‌های آمریکایی در منطقه حمله موشکی داشته باشند. در این باره ژنرال مک کنزی در یک کنفرانس امنیتی منطقه‌ای در منامه بحرین بیان داشت که تهران در این صدد است که با اوضاع اقتصادی که در نتیجه تحریم‌های آمریکا بر این کشور حاکم شده است به پایگاه‌های آمریکا در منطقه

حمله کند لذا از تمام کشورهای منطقه درخواست کمک و همکاری علیه هرگونه حمله نظامی ایران کرد (Schmitt, 2019: 1-5).

به همین منظور جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد ابتدا تمامیت ارزی خود را در برابر هرگونه تعرض کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن حفظ کند و مقامات نظامی تهران بارها و مکرراً بیان داشتند که در صورت حمله نظامی به ایران، رژیم صهیونیستی با هزینه‌های هنگفتی مواجه خواهد شد. دولت آمریکا نیز در برابر این اقدام، نیروهای نظامی خود بویژه ادوات نظامی را به عربستان سعودی انتقال داد تا اولاً در صورت هرگونه حمله ایران ابتدا از ریاض شروع شود و اینکه رژیم صهیونیستی در امنیت کامل باشد. این بهترین راهبرد برای مقامات تهران به منظور مقابله نظامی با واشنگتن بود چرا که با این وجود بیشترین ضربه و کمترین هزینه را دریافت می‌کردند. در این قالب بود که پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران در آن زمان نهایت حساسیت خود را به خرج داده و هواپیماهای جاسوسی و بدون سرنشین آمریکا را مورد اصابت راکت‌های خود قرار دادند (Lolitec, 2019: 2-6).

نظامی شدن خلیج فارس و گسترش همکاری با روسیه

با نظامی شدن خلیج فارس دو کشور روسیه و ایران همکاری‌های خود را در ابعاد گوناگون توسعه دادند. دو کشور تهدیدهایی که آمریکا برای منطقه داشته و دارد را بخوبی شناسایی کرده و در صدد هستند آنها را مدیریت کنند لذا به همین منظور می‌توان اینگونه بیان داشت که محور همکاری دو کشور را تهدیدهای آمریکا شکل می‌دهد. تحریم یکجانبه ایران توسط آمریکا باعث شده که در داخل ایران احساسات ضد آمریکایی افزایش و قسمتی از جامعه سیاسی ایران که در صدد گسترش رابطه با آمریکا بودند، کاهش یابد. این مسئله باعث شد که ایران به سمت شرق سوق پیدا کند و همکاری‌های سیاسی خود را با روسیه حتی با کاهش تنش‌ها در سوریه توسعه دهد (Czulda, 2019: 2-8).

نظامی شدن خلیج فارس و تاثیر آن بر... ۱۴۳

چرا که روسیه هم یکی از حامیان ایران در نشست‌های بین‌المللی یا همان برجام است و هم اینکه تهران از غرب ناامید شده و سیاست خارجی خود را به سمت شرق یعنی چین و روسیه سوق داده است. زیرا بنظر می‌رسد نظامی شدن خلیج فارس عاملی قانع کننده برای مقامات ایران باشد که در صدد پابرجا ماندن برجام باشد و این مسئله یعنی سقوط چشمگیر همکاری ایران با غرب. بعبارت دیگر تنش‌های فعلی تهران را وادار می‌کند بویژه در زمینه سیاسی و عرصه بین‌الملل به روسیه اعتماد کند (Czulda, 2019: 5-9).

روسیه و ایران روابط نظامی خود را متمرکز بر چالش مشترک برای درک هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه می‌کنند. وزارت دفاع روسیه و ستاد کل نیروهای مسلح ایران در سفر سه روزه فرمانده نیروی دریایی ایران، حسین خانزادی، در سن پترزبورگ تفاهم‌نامه‌ای را امضا کردند که به دنبال گسترش روابط نظامی بین دو کشور است. خانزادی در این مورد بیان کرد که «این تفاهم ممکن است نقطه عطفی در روابط تهران و مسکو در طول مسیر دفاعی تلقی باشد». وی افزود: پیش‌بینی می‌شود مانور مشترک روسیه و ایران به زودی در اقیانوس هند برگزار شود و این موضوع را می‌توان شروع همکاری نظامی فراتر از بحران سوریه در سال جاری دانست. البته ذکر این نکته لازم بنظر می‌رسد که نظامی شدن خلیج فارس بیش از حد انتظار بر روابط دو کشور تاثیر گذاشته که این همکاری‌ها و تفاهم‌نامه‌ها امضا شده‌اند (Suchkov, 2019: 2-3).

با نظامی شدن خلیج فارس، ایران در صدد برآمد که یک نظام امنیتی جدید برای خلیج فارس و تنگه هرمز با همکاری کشورهای عربی خلیج فارس ایجاد نماید. نقطه عطف و مهمی که در این همکاری‌ها وجود دارد دعوت از روسیه و چین بعنوان دو ابرقدرت در عمان و اقیانوس آرام است. در این بین مقامات دولت ایران بیان داشتند که همکاری با روسیه و چین در خلیج فارس در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه است و این اولین همکاری بین طرفین و رزمایش

نظامی یکی از اقدامات مهم بین کشورهای مذکور است. چرا که آمریکا بیان داشت در صدد تقویت سیستم‌های دفاعی و هجومی کشورهای منطقه علیه ایران به منظور نفوذ در آب‌های خلیج فارس می‌باشد. در مقابل این اقدام، روسیه و چین و همچنین ایران همکاری خود را به منظور تقویت سیستم دفاعی برای مدیریت منازعه در خلیج فارس توسعه دادند و ایران نیز از طریق روسیه و چین تلاش دارد یک ائتلاف نظامی در خلیج فارس ایجاد نماید (Tomo, 2019: 2-6).

نظامی شدن خلیج فارس و همکاری با چین

چین مانند روسیه و ایران یکجانبه‌گرایی آمریکا را در ابعاد گوناگون به چالش می‌کشد. لذا با نظامی شدن خلیج فارس مقامات ایران در صدد هستند مانور نظامی خود را با حضور چین که دیدگاه مشترک و واحدی حداقل نسبت به آمریکا دارد، انجام دهند. در این باره غدیر نظمی‌پور، رئیس امور بین‌الملل و دیپلماسی دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح ایران، بیان داشت: «این تمرینات اهداف متفاوتی از جمله تبادل تجربیات تاکتیکی و نظامی دارند، و سه کشور به دنبال اهداف سیاسی هستند که نوعی همکاری بین شرکت کنندگان را نشان می‌دهد». همچنین ادامه می‌دهد «دیدار و اقدامات مقامات سه کشور در سطح وزیر دفاع، رئیس ستاد نیروهای مسلح و فرماندهان نیروهای مسلح نشانگر دیپلماسی فعال دفاعی ایران است که با نظامی شدن خلیج فارس به نحو چشمگیری توسعه یافته است» (Pinghui, 2019: 2-5). البته باید این نکته را اینگونه مورد واکاوی قرار داد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها با آمریکا بلکه با متحدان آن یعنی عربستان، رژیم صهیونیستی، قطر و .. درگیر است. تهران با استفاده از ابزار همکاری با کشور چین و روسیه تلاش دارد جایگاه منطقه‌ای خود را برای کشورهای عربی همسایه و همچنین مقامات آمریکایی نمایان کند و همچنین نشان دهد که تهران می‌تواند در یک ائتلاف بین‌المللی

علیه آمریکا ابفای نقش داشته باشد.

نتیجه گیری

بعد از انقلاب اسلامی، تنش بین کشورهای غربی و ایران در ابعاد گوناگون توسعه یافت. زیرا دولت پهلوی منافع این کشورها را آنگونه که می‌خواستند در قالب عنوان «ژاندارم منطقه» تأمین می‌کرد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این انقلاب که عبارت بودند از: "استقلال آزادی جمهوری اسلامی"، به کشورهای غربی این پیام را صادر کرد که دیگر خبری از ژاندارم منطقه نیست و سرنوشت منطقه را کشورهای همان منطقه رقم می‌زنند و با استقلال کامل هم این کار را انجام می‌دهد. لذا این پیام یک خط بطلان بر تمام راهبردها و استراتژی‌های کشورهای غربی بویژه آمریکا بود که منافع خود را بیش از هر کشور دیگر در خلیج فارس در خطر می‌دید.

لذا از هرگونه حربه‌ای علیه این انقلاب استفاده کرد. یکی از مهم‌ترین این حربه‌ها ابزار اقتصادی بود. ابزار اقتصادی مورد استفاده آمریکا همانگونه که همگان در مورد آن اطلاع دارند تحریم‌هایی بود که علیه این کشور وضع کرد. در نتیجه تحریم‌های یکجانبه و نابرابر اقتصادی، ایران با ضربه‌های مهلکی حتی در زمان جنگ تحمیلی روبه رو شد. به همین منظور رئیس‌جمهورهای دو کشور در طول ۴۰ سال از انقلاب اسلامی ایران تلاش می‌کردند با ادبیات‌های مختلف تنش‌های موجود را حل کنند تا اینکه نشست بین‌المللی منجر به تصویب برجام رخ داد. همانگونه که در این قطعنامه مشخص شده بود طرفین باید تعهدات خود را عملی کنند تا تنش‌های موجود از بین برود.

طبق روال سابق، ادبیات کشورهای استعمارگر با روی کار آمدن ترامپ بعنوان رئیس‌جمهور نه تنها تعهدات آمریکا در قالب برجام عملی نشد بلکه تحریم‌های شدیدتری را نسبت به ایران اعمال کرد که در نتیجه این تحریم‌ها دولتمردان تهران ناراضی‌تری خود را ابراز کردند. یکی از مهم‌ترین بندهای این

تحریم‌ها به صفر رساندن صادرات نفت ایران بود. در مقابل این اقدام مقامات جمهوری اسلامی ایران بیان داشتند که در صورت به صفر رسیدن صادرات نفت کشور، تهران اقدام به بستن و مسدود کردن تنگه هرمز می‌کند که یک فاجعه تجاری هم در بعد انرژی و هم در بعد تجارت اقلام دیگر برای کشورهای غربی ایجاد می‌شد.

به همین منظور مقامات آمریکا در مقابل این اقدام در صدد ایجاد یک ائتلاف برای حمله نظامی به ایران در خلیج فارس برآمدند که منجر به نظامی شدن خلیج فارس شد. این پژوهش با این فرضیه آغاز شد که موضع جمهوری اسلامی ایران در مقابل اقدامات کاخ سفید ممکن است اینگونه باشد که از نفوذ خود در منطقه استفاده کند و یک دفاع نامتقارن در مقابل تهدیدها و نظامی شدن خلیج فارس در نتیجه اقدامات آمریکا انجام دهد در صورت هرگونه حمله نظامی، همکاری خود را در خلیج فارس با چین و روسیه توسعه دهد.

منابع

فارسی

- احمدیان، حسن و محمد زارع، (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره ۲.
- دوثرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت، (۱۳۸۸)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ پنجم، تهران: انتشارات قومس.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، کتاب امنیت بین‌الملل ۱: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
- محمد خانی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «تبیین رویکرد نوواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- میرزاده کوهشاهی، مهدی، (۱۳۹۳)، «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه؛ سناریو و پیامدها»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱۱.
- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۶)، «دگرگونی در نظریه‌های و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.

References

- Benjamin, Daniel & Simon Steven, (2019), "America's Great Satan the 40-Year Obsession With Iran", Available in, <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/americas-great-satan>,
- Cook, Stevena, (2019), "Iran Owns the Persian Gulf Now. The Trump Administration's Nonresponse to Iranian Aggression has Sent an Unmistakable Message", Available in :<https://foreignpolicy.com/2019/08/01/iran-owns-the-persian-gulf-now>, Access on 1, August, 2019.

- Czulda, Robert, (2019), “Russia is a Clear Winner in US-Iran Tensions”, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/russia-is-a-clear-winner-in-us-iran-Tensions>, Access on: 28.
- Lolitec, Baldor, (2019), “US bolsters Saudi Defense against Iran with Jets, Missiles”, Available at: <https://apnews.com/026e49c486234382850eb49d4361b108>, Access on: 11, October, 2019.
- Mearsheimer, John J, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton.
- Nasr, Vali, (2018), “Iran Among the Ruins Tehran’s Advantage in a Turbulent Middle East”, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2018-02-13/iran-among-ruins>, Access on: 3, April, 2018.
- Pinghui, Zhuang, (2019), “China, Russia, Iran ‘Plan Joint Naval Drill in International Waters’”, available at: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3029819/china-russia-iran-plan-joint-naval-drill-international-waters>. Access on: 21, Sep, 2019.
- Quero, Jordi & Dessì, Andrea, (2019), “Unpredictability in US Foreign Policy and the Regional order in the Middle East: Reacting Vis-à-vis a Volatile External Security-Provider”, Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13530194.2019.1580185>. Access on: 17, Feb, 2019.
- Schmitt, Eric, (2019), “U.S. Commander Warns of Iranian Attack in Middle East”, Available at: <https://www.nytimes.com/2019/11/23/world/middleeast/iran-attacks-mckenzie.html>, Access on: Nov. 23, 2019.
- Suchkov, Maxim A, (2019), “Intel: How Russia is Deepening Military Ties with Iran to Counter the Us”, Available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/07/intel-russia-deepening-military-ties-iran-counter-us.html>. Access on: 30, July, 2019.
- Tooss, Sina, (2019), “Iran is Winning the Battle for the Middle East’s Future”, Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/10/24/iran-is-winning-the-battle-for-the-middle-east-s-future>. Access on 24, October, 2019.
- Tomo, Connor, (2019), “Can Iran Get China and Russia’s Military Support? U.S. Rivals Play Cautious Game Near World’s Most Important Oil Route”, Available at:

<https://www.newsweek.com/iran-russia-china-military-support-ties-1460850>. Access on: 9/23/2019.

Walt, Stephen M, (1979), "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia", *International Organization*, Vol. 42, No. 2.

Weisbord, Noah, (2019), "What Does the Trump Administration Want from Iran?", Available at: <https://theconversation.com/what-does-the-trump-administration-want-from-iran-117797>. Access on: 22, June, 2019.